

بحث اتحادیه های صنفی در حزب بلشویک (۱۹۲۰-۱۹۲۱) اُپوزیسیون کارگری



توفان آراز

پیوست ها اعلامیه ۲۲ نفر پروتکل کمیسیون کُمینترن

دولت شوروی یک اهرم انقلاب اقتصادی است،
زیرا آن یک دیکتاتوری پرولتاریا است، و این
بدان معناست، که محلی برای تضاد بین
اتحادیه های صنفی و ارگان های قدرت شوروی
نمی تواند باشد. چنین تضادی، برعکس، کاملاً
غیرمنطقی و انحرافی از مارکسیسم در سمت

تعصبات بورژوازی - به ویژه صنفی بورژوازی -
است.

(قطعنامه نهمین کنگره حزب^۱)

بحث اتحادیه های صنفی^۲ بر محور چگونگی رابطه بین قدرت دولتی و ارگان های کار-گری به کانون اختلافات^۳ در حزب بلشویک در سال های ۲۱- ۱۹۲۰ تبدیل گردید، یعنی در زمانی که مسئله بازسازی دستگاه تولید تخریب شده در اثر جنگ داخلی خونین و ویرانگر روسیه و مسئله مطالبات توده های پرولتاریا از قدرت دولتی بلشویک ها فعلیت داشتند.

مسئله عملکردها و وظایف اتحادیه های صنفی در جامعه انتقالی (جامعه دوره دیکتاتوری پرولتاریا) عنصری برجسته از بحث در نهمین کنگره حزب (مارس- آوریل ۱۹۲۰) را تشکیل می داد. در قطعنامه طویل کنگره " درباره مسئله اتحادیه های صنفی و تشکیلات شان"^۴ عملکردهای عمومی اتحادیه های صنفی در جامعه انتقالی بدین گونه تعریف گردیده بود: " تحت دیکتاتوری پرولتاریا اتحادیه های صنفی بیش از آن ارگان هایی نخواهند بود که به عنوان فروشنندگان کار علیه طبقه حاکمه سرمایه دار مبارزه می کنند، و به دستگاه طبقه حاکمه کارگر تبدیل می گردند. وظایف اتحادیه های صنفی اصولاً از نوع تشکیلاتی - اقتصادی و آموزشی است. اتحادیه های کارگری نباید این وظایف را به مثابه نیروی خودکفا و از حیث تشکیلاتی منفرد انجام دهند، بلکه به مثابه یکی از دستگاه های اساسی دولت شوروی تحت رهبری حزب کمونیست. تنها این شرط قادرست هم حداکثر ثبات در کل سیستم دیکتاتوری پرولتاریا و هم حداکثر مو-لدیت را تضمین نماید. " جلوتر درباره رابطه بین " دولت شوروی و اتحادیه های صنفی" گفته شده بود، که " دولت شوروی یک اهرم انقلاب اقتصادی است، زیرا آن یک دیکتاتوری پرولتاریا است، و این بدان معناست، که محلی برای تضاد بین اتحادیه های صنفی و ارگان های قدرت شوروی نمی تواند باشد. چنین تضادی، برعکس، کاملاً غیرمنطقی و انحرافی از مارکسیسم در سمت تعصبات بورژوازی - به ویژه صنفی بورژوازی - است^۵." و چنین تضادی " خاصه در مرحله دیکتاتوری پرولتاریا بیهوده و زیان بخش است، که در آن کل مبارزه او، کل فعالیت او - اعم از اقتصادی و سیاسی - باید بیش از هر زمان دیگری در وحدت باشد، باید متمرکز باشد، و به وسیله اراده یگانه ای که به صورت یک واحد آهنین جوش خورده است، رهبری گردد. " اتحادیه های صنفی باید " به صورت مدارس کمونیسم و اجزای ارتباط بین پیشاهنگ پرولتاریا، حزب کمونیست و عقب مانده ترین توده های پرولتاریا، آن ها که هنوز از کومه بینی صنفی و کارگاهی قدیم کاملاً آزاد نشده اند"، عمل نمایند، و متدرجاً به " ارگان های کمکی دولت پرولتاریا

مبدل گردند، نه برعکس"، یعنی در سازواری با بسط ادراک کمونیستی و رُل خلاقانه توده ها.

نفوذ حزب در اتحادیه های صنفی به توسط فراکسیون های بلشویکی، که کارشان تحت کمیته های حزبی است، در آن اتحادیه ها تضمین می گردد. یک قدرت متمرکز به این طریق تضمین می شود که "تصویبنامه های شورای اتحادیه های صنفی سرتاسر روسیه"^[۶] در مورد شرایط کار و سازمان دهی کار متعهد سازنده کلیه سازمان های اتحادیه های صنفی و اعضای حزب فعال در آن ها باشد، و تنها به وسیله کمیته مرکزی حزب قابل فسخ باشد و نه ارگان های دیگر حزب. "وانگهی، فراکسیون حزبی در شورای اتحادیه های صنفی سرتاسر روسیه مستقیماً تحت کمیته مرکزی حزب قرار دارد.

تا جایی که به اداره اقتصاد مربوط می گردید، اتحادیه های صنفی می باید به اتفاق ارگان های اقتصادی - اداری دولت مثلاً در معرفی گردانندگان کارخانه ها دخیل باشند. اما تأکید می گردید، که "هیچ سازمان صنفی مستقیماً در جریان کار کارخانه ها دخالت نخواهد داشت."

درباره کمیته های کارخانه^۷ گفته شده بود: "تحتانی ترین سلول اتحادیه صنفی کمیته کارخانه است. کمیته کارخانه بدون دخالت در اداره کارخانه، عملکردهای زیر را انجام می دهد: در بهسازی انضباط کار یاری می نماید (...); تبلیغات برای کار مولد، مرتبط با تبلیغات عمومی را هدایت می کند؛ کارگران را در بازرسی کار دخیل می سازد؛ کارگران را تعلیم می دهد، و آنان را برای درک رُل کارخانه (به توسط گزارشات، نطق ها و غیره) ترغیب می نماید؛ در زمینه انتخاب مدیران کار اشتراک مساعی می کند؛ به نظارت بر کار کمیسیون های مزد و مشاجرات می پردازد و غیره."

فصل پسین قطعنامه درباره وظایف فعلی اتحادیه های صنفی بود. در این جا بازسازی اقتصاد به عنوان مهم ترین مسئله اجتماعی ذکر شده، و نسبت به آن، وظیفه عمده اتحادیه های صنفی تفهیم ضرورت مدیریت تک نفره به صورت جزئی از مؤثرسازی و معقولانه کردن اداره اقتصاد تعیین گشته بود. یکی از نکات مهم اختلاف در نهمین کنگره حزب اصول مدیریت صنعتی بود، و بر سر آن بین جناح لنین - تروتسکی و "مرکزگرایان دموکراتیک" مشاجره لفظی شدیدی درگرفت. آپوزیسیون اشکال مدیریت جمعی را مطالبه می نمود، و برضد بازسازی صنعت با اصول سرمایه داری سازمان دهی کار بود.

دلیل این نگارنده برای نقل اقوال از قطعنامه نهمین کنگره حزب اینست، که آن ها در اساس مبین همان عناصری از وظایف اتحادیه های صنفی اند، که نهایتاً در دهمین کنگره حزب (۱۶ - ۸ مارس ۱۹۲۱) - یکی از کنگره های حزبی بااهمیت - با معرفی گردیدن "سیاست اقتصادی نوین (نپ)"^۸ (Novaja Ekonomiceskaja Politika (NEP)) - که عناصر اصلی آن عبارت بودند از سیاست صنعتی مبتنی بر سرمایه داری انحصاری دولتی، الویت دهی به صنعت وسایل تولید و مجاز گرداندن تجارت آزاد توأم با بهره در تولید کشاورزی با نظر به تقویت تمایل دهقانان به تولید - به تصویب رسیدند. در

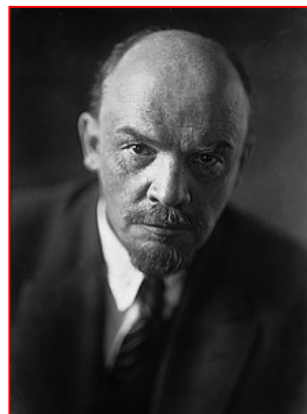
نهمین کنگره وظایف اتحادیه های صنفی به مقصود نوعی سازمان دهی تولید تثبیت گردید، که قدرت یا حتی نفوذ در شرایط کار در اختیار سازمان های کارگری قرار داده نشود. قویاً تأکید گردید که ارگان های صنفی نباید در مدیریت کارخانه ها دخالت نمایند، و عملکردهای اتحادیه های صنفی عمدهً مرتبط با آموزش چیزی به اعضای بود که در بحث اغلب " ادراک تولیدی" نامیده می شد، و مراد از آن درک و پذیرش سیاست اقتصادی ای بود که به وسیله دستگاه اقتصادی -

اداری دولت مقرر گردد. این تصمیم کاملاً به اقتضای اصول اصلی سازمان دهی تولید مورد نظر قدرت دولتی بلشویک ها از لحاظ راهبردی بود، یعنی اختیار کردن اشکال سرمایه داری سازمان دهی کار و تولید تحت حاکمیت قدرت دولتی سوسیالیستی. راهبرد اقتصادی عبارت از تبدیل قدرت دولتی متمرکز به فاعل اقتصادی تعیین کننده ای بود، که سازمان های کارگری مطیع آن گردانده شوند، با این استدلال ایدئولوژیک که قدرت دولتی برابر با قدرت طبقه کارگر بود، و بنابراین استدلال هر نوع مطالبه قدرت اقتصادی مستقل به سازمان های کارگری می توانست با عنوان غیرکمونویستی رد شود.

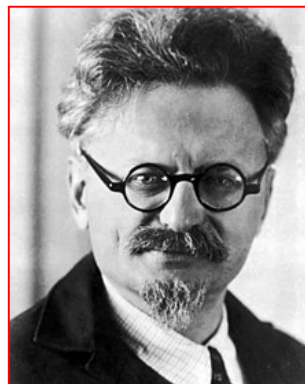
" نپ " مؤکد همین سیاست بود، ولی، آن از لحاظ سازمان دهی صنعتی و جای دهی ساز-مان های کارگری در این سیاست، تغییر مسیر تعیین کننده ای نشان نداد.

مفهوم تأکید سیاست صنعتی مبتنی بر سرمایه داری انحصاری دولتی به توسط " نپ " درقبال اتحادیه های صنفی حدت یافتن تضاد بین عملکردهای اتحادیه ها به مثابه سازمان های نماینده منافع توده های کارگر و عملکردهای اتحادیه ها به مثابه ارگان های اجرایی قدرت دولتی درمقابل توده ها بود.^۱

در جریان بحث حاد اتحادیه های صنفی در کنگره نهم چند پلاتفرم و طرح پلاتفرم مختلف تهیه گردیدند. سه فقره از آن ها، که حامل نقطه نظرات عمده بودند، و بعد به دهمین کنگره حزب ارائه داده شدند، عبارت بودند از: پلاتفرم " ده نفر"، از جمله لنین. پلاتفرم مشترک لئون تروتسکی (Leon Trotskij) (مقت. ۱۹۴۰ - ۱۸۷۹) و نیکلای ایوانوویچ بوخارین (Nikolaj Ivanovitj Bukharin) (مقت. ۱۹۳۸ - ۱۸۸۸). پلاتفرم آپوزیسیون کارگری



لنین



تروتسکی

(*Rabotjaj Opozitsija*)، که از دو دست تزا ترکیب می یافت. یک دست شان درباره بنای حزب و دست دیگرشان درباره مسئله اتحادیه های کارگری بودند. برندهای (تزهای) صنفی آپوزیسیون کارگری برخلاف سایر پلاتفرم ها حاوی یک رشته مطالبه مشخص درمورد برآوردن نیازهای توده ها بود. کولونتای مطالبات آپوزیسیون کارگری را به قرار زیر مشخص نموده است:

۱. " باید ارگانی برای مدیریت اقتصاد جامعه از رده های مولدین، کارگران تشکیل بیابد.
۲. به این مقصود، یعنی به مقصود انتقال یافتن اتحادیه های صنفی از حمایت گُنش پذیرانه (پاسیو) ارگان های اقتصادی به شرکت گُنش-گرانه، به تکامل بخشیدن ابتکار خلاقانه کارگران در این ارگان ها، آپوزیسیون کارگری یک رشته تدابیر تدارکاتی جهت تنظیم متدرجانه وصول این وظیفه به پیش می کشد.

۳. مدیریت یک رشته صنعت ابتداء زمانی در اختیار اتحادیه صنفی قرار می گیرد، که شورای اتحادیه های صنفی مرکزی سرتاسر روسیه (VTsSPS) اتحادیه صنفی مورد نظر را به صورت آماده به اندازه کافی به رسمیت شناسد.

۴. اشغال یک پست مدیریت تنها با موافقت اتحادیه صنفی امکان پذیرست. کلیه نامزدهای اتحادیه صنفی باید استخدام پذیر باشند. کلیه کارمندان منتخبه اتحادیه های صنفی درمقابل اتحادیه های صنفی مسئول و تنها ازسوی اتحادیه های صنفی اخراج شدنی هستند.

۵. اجرای برنامه مورد نظر در این جا را باید از تقویت تحتانی ترین واحدها در اتحادیه های صنفی و آماده ساختن کمیته های کارخانه برای مدیریت اقتصاد آغازید.

۶. با تمرکز مدیریت اقتصاد سرتاسر جمهوری در تنها یک دست (بدون [مدیریت] دوجانبه شورای عالی اقتصاد ملی^[۱۰] و شورای اتحادیه های صنفی مرکزی سرتاسر روسیه) اراده واحدی به وجود خواهد آمد، که اجرای یک برنامه مورد موافقت برای تشکیل یک سیستم تولید کمونیستی را تسهیل خواهد نمود. آیا این سندیکالیسم است؟ آیا برعکس همان چیزی نیست، که در برنامه حزب ماست؟ و آیا برعکس برندهای سایر رفقا از برنامه حزب ما منحرف نمی گردند؟"^{۱۱}

نقطه نظرات مخالف بعد در دهمین کنگره حزب تحت شرایط مهیجی همزمان با قیام کرونشانات به پیش کشیده شدند. حدّ اعلاّی جوّ هیجان آمیز کنگره با انتخاب تقریباً ۳۰۰ از ۱/۰۰۰ نماینده^{۱۲} برای شرکت در سرکوب قیام فرارسید.



بوخارین

جالب است که باوجود اهمیت باشمول "نپ"، آن جای مهمی در بحث اشغال ننمود؛ اتحادیه های صنفی و بنای حزب جای اصلی را در بحث گرفتند. لنین ابتداء در روز ماقبل آخر کنگره پیشنهاد خود را دایر بر فسخ گردآوری مواد غذایی از دهقانان به توسط مصادره های اجباری^{۱۳} و به جای آن تعیین مالیاتی که دهقانان را قادر به تولید توأم با مازاد به سازد، همزمان با مجاز گشتن تجارت محلی به مقصود جلب رضایت توده های دهقان ناراضی، که اولین اجزاء "نپ" را تشکیل می دادند، ارائه داشت. یقیناً کنگره ها به اشکال گوناگون فراگیرترین مجامع بحث های سیاسی حزب بودند، ولیکن قدرت سیاسی حقیقی در جایی دیگر، در ارگان های مرکزی حزبی و دولتی قرار داشت.

بحث اتحادیه های صنفی از جهات مختلف دانشگاهی - مجرد و مغالطه آمیز بود، به عنوان نمونه این نقل قول کوتاه از حمله بوخارین به آپوزیسیون کارگری و انتساب سندیکالیسم به آپوزیسیون: "قولی از انگلس^[۱۴] که شیلیاپنیکوف^[۱۵] آن را نقل می-کند، مسلماً ربطی به قضیه ندارد، چون که انگلس کاملاً درباره جامعه در مرحله انتقالی، درباره جامعه در مرحله دیکتاتوری پرولتاریا، صحبت نمی کند؛ قول منظور انگلس درباره جامعه کمونیستی، پس از تشکیل شدن آنست. اگر رفیق شیلیاپنیکوف امور را به صورتی اصلاح می کند، که از مولدین فقط مولد کالا را می فهمد (تروتسکی: "خیر، دقیقاً برعکس، او مولدین کالا را مستثنی می کند.")، خوب درهرحال... (خنده)، شما درهرحال مولدین را هم که به گیرید، این اصطلاح با لحظه کنونی سازگار نیست."

۱۶

ارائه دیر پیشنهاد فسخ گردآوری مواد غذایی به توسط مصادره های اجباری و مجاز گردیدن تجارت آزاد مسلماً راهکارانه بود، به این معنا که جناح از لحاظ سیاسی مسلط لنین مایل به کم ترین بحث ممکن درباره این نکته تعیین کننده بود. هدف اصلی بر-گذاری کنگره برای جناح لنین مخالفت با آپوزیسیون، عمده آپوزیسیون کارگری، بر-جسته ساختن راهکارانه فاصله گیری از اسلوب های اجباری با نظر به خلق یک جنبش صنفی با عملکرد مؤثر و از حیث سازمان دهی نیکوی امور اقتصادی بود. تروتسکی - که در نطقش آپوزیسیون کارگری را یک پدیده "سیاسی خطرناک" که قادر به ایجاد تفرقه در حزب بود، تشخیص داد - نیز سخنگوی همین بود. او به عنوان کمیسر خلق برای حمل و نقل این سیاست را به تازگی در قبال اتحادیه صنفی کارگران راه آهن با برقراری "سکترانیسم" (از سکتران (Tsektran))، ارگان عالی سازمان دهی نوین مؤسسه حمل و نقل، در اوت ۱۹۲۰ و رهبری آن عملی ساخته بود. "سکترانیسم" کوشش تروتسکی در جهت متحقق ساختن مقصودش در خصوص "نظامی کردن کار و اتحادیه های صنفی" در عمل بود، به این معنا که کارگران راه آهن را وادارد تا با انضباط نظامی سیستم حمل و نقل تخریب شده را تعمیر کنند. اتحادیه صنفی راه آهن و به طور کلی جنبش صنفی به اسلوب های نظامی و ضددموکراتیک تروتسکی اعتراض نمودند، و تروتسکی نیز با اخراج مدیریت اتحادیه صنفی و استخدام مدیریتی

نو و وفادار به خود واکنش نشان داد. به خودی خود روشن است که این شیوه های کار درقبال جنبش صنفی نمی توانست تقویت کننده پشتیبانی سیاسی کارگران از حزب باشد، و به همین سبب نیز لنین با حس سیاسی واقع گرایانه معمولش از پیشنهاد و اسلوب های تروتسکی فاصله گرفت.^{۱۷} در بحث اتحادیه های صنفی از تروتسکی خواسته شد اقرار نماید شیوه برخوردش به کارگران راه آهن اشتباه بوده است. اما تروتسکی به شکل مجادله ای حملات به "سکتر-انیسم" را ناعادلانه دانست، زیرا به قول او کارش منتج به بکار افتادن مجدد سیستم حمل و نقل گردیده، و آن مورد قبول کمیته مرکزی نیز قرار گرفته بود.^{۱۸}

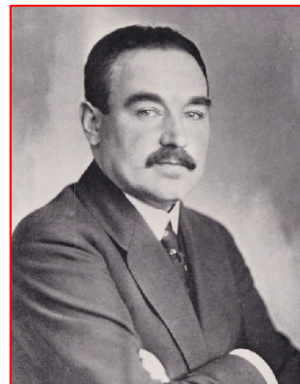
بحث حاکی از اختلاف مهمی بین جناح های لنین و تروتسکی در زمینه اتحادیه های صنفی نبود. کولونتای در نوشته اش *اپوزیسیون کارگری* - که از سوی انتشارات دولتی در مسکو منتشر گردید، و به قول سرصفحه آن "تنها به شرکت کنندگان در دهمین کنگره حزب کمونیست روسیه" اختصاص داشت - فرق بین لنین و تروتسکی را به فرق بین آموزگاران روزهای قدیم تشبیه می کند، که قطعاً یک چیز می خواهند: بیاموزند، و به صوب هدف واحد از قبل تعریف و تعیین شده رهنمون گردند، اما هرکدام با اقناع و تحریک نوع خود.

از نظر جناح لنین و جناح تروتسکی، هر دو، وظیفه کانونی اتحادیه های صنفی عبارت بود از "آموزش کمونیسم". سازمان های توده ای اتحادیه های صنفی به گونه ارگان هایی استنباط می-گشتند که عملکردشان به صورت اجزای ارتباطی بین حزب و توده ها ممکن بود، مسئله ای که

خاصه به دلیل نارضایتی فزاینده توده ها از سیاست بلشویک ها فعلیت داشت. چندین ناآرامی دهقانی و خیزش ها در اعتراض به وظیفه تحویل اجباری خواربار و ممنوعیت تجارت آزاد پدید آمده بودند. مثلاً در ایالت تامبوف (Tambov)، که بالاخص گرفتار شیوه رفتار فرمان دهان مصادرات گردیده بود، در آغاز ۱۹۲۱ یک نیروی نظامی مرکب از ۳۰/۰۰۰ دهقان تحت رهبری سوسیالیست های انقلابی تشکیل یافته بود. برطبق ارقام رسمی، در زمستان ۲۱-۱۹۲۰ ۱۶۵ گروه دهقانی مسلح در عمل بودند^{۱۹} و ناآرامی ها تنها در میان دهقانان وجود نداشت. کاهش درصدی اعضای حزب با اصل کارگری از



کولونتای



شیلپاینسکیوف

۵۷٪ در ۱۹۱۸ به ۴۱٪ در ۲۰۱۹۲۱ حاکی از کاهش پشتیبانی طبقه کارگر از حزب بود، و واضح تر جنبش اعتصاب در پتروگراد، مسکو و دیگر شهرهای صنعتی بزرگ در زمستان ۱۹۲۱، که طی آن ها کارگران طالب پوشاک زمستانی، لغو شدن وظیفه کار و مجاز گشتن تجارت آزاد مواد غذایی بودند. حتی پیش درآمد قیام کرونشتات را چند اعتصاب بزرگ در پتروگراد تشکیل دادند.

اتحادیه های صنفی وسیله جذب توده ها به سیاست حزب از نظرگاه های هر دو جناح لنین و تروتسکی به شمار می رفتند. اتحادیه های صنفی به علت درجه پیوستگی شان با توده ها، که نزدیک تر از پیوستگی ارگان های حزبی و دولتی با توده ها بود، و نیز از جنبه ایدئولوژیک، یعنی سازمان های نماینده منافع پرولتاریا بودن، به مانند ارگان های انضباطی و برای " تبلیغات تولیدی"، آموزش " ادراک تولیدی"، تبلیغات فعلی ضرورت مؤثریت بالا، انضباط سخت و نیازهای مادی کماکان موجود مناسب تر بودند.

به طور واضح منظور از اتحادیه های صنفی به صورت " مدارس کمونیسم" بودن در بحث از آن ها این بود، که اتحادیه های صنفی می باید توده های کارگر را از لحاظ فنی و اداری جهت شرکت در امور مدیریت، سازمان دهی تولید و اقتصاد اجتماعی برخوردار از صلاحیت و واجد شرایط سازند، آن چه که طبق استنباط حزب از سوسیالیسم و کار می- باید پیش شرط ایجاد روابط تولید سوسیالیستی باشد. از نظر حزب توده ها مستقیماً و بلاواسطه برای عملکردهای سازمانی واجد شرایط نبودند، و مسلماً لازم بود به آنان دانش فنی و اداری آموخته شود، دانشی که تنها " متخصصین بورژوایی"، یعنی مهندسين، سرمایه داران و غیره از آن برخوردار بودند. این درک که توده ها پیش از آموزش دیدن قادر به شرکت در سازمان دهی تولید نبودند، بازتابنده اندیشه حزب درباره سازمان دهی کار از طریق در اختیار گرفتن و استفاده از اشکال سرمایه داری سازمان دهی کار بود.

اگرچه پلاتفرم های جناح های لنین و تروتسکی برای اتحادیه های صنفی در نقطه مخالف پلاتفرم آپوزیسیون کارگری قرار داشتند، مع هذا نظریات لنینیستی و تروتسکیستی در موضوع اتحادیه های صنفی - بی آن که اختلاف مهمی باهم داشته باشند - یکسان نبودند. برخلاف لنین، تروتسکی اصولاً موافق با دولتی ساختن اتحادیه های صنفی، یعنی تبدیل گرداندن فوری و بلاواسطه آن ها به ارگان های دولتی بود. تروتسکی قبلاً براین بود که دولتی ساختن اتحادیه های صنفی می باید به طور کامل و با فوریت به عمل آید. ولیکن در ضمن بحث تا برگذار گشتن کنگره و روبه- رویی او با انتقاد شدید لنین، نظریه اش را معتدل ساخت، تا آن جا که با بوخارین و به اصطلاح " گروه سپر" او ائتلاف نمود. گروه بوخارین نقش تربیتی اتحادیه های صنفی در وضعیت سیاسی موجود را برجسته می ساخت. تروتسکی و بوخارین پلاتفرمی تهیه نمودند که به شکل معتدل پیشنهاد دولتی سازی اتحادیه های صنفی را مطرح ساخت. پلاتفرم " ده نفر"، یعنی پلاتفرم جناح لنین، خواستار اتحاد با بخشی

از جنبش صنفی بود (امضاء های اشخاص شناخته شده وابسته به اتحادیه های صنفی پای این پلاتفرم به چشم می خورد)، و مبین این که رهبری تولید و اقتصاد می باید در اختیار شورای اقتصادی دولتی قرار گیرد، و اتحادیه های صنفی به صورت " تسمه های انتقال" میان حزب و توده ها عمل نمایند، به این معنا که اتحادیه های صنفی نماینده کارگران مقابل دولت به عنوان کارفرما و همزمان و خاصه نماینده ارگان های دولت مقابل توده ها باشند. (تبلیغات تولیدی، اداره روند انضباط، مدیریت سیستم مقرر داشتن و تحت نظر گرفتن کار و اعطائیات و غیره را برعهده گیرند.)

ممکن است در نگرش سطحی نظریه تروتسکی - بوخارین با نظریه آپوزیسیون کارگری یکسان به نظر رسد، زیرا هر دو نظریه مدیریت تولید را به اتحادیه های صنفی محول می ساختند، اما در واقع تفاوت عمده بین آن ها وجود داشت، و آن این که برطبق یکی طبیعتاً اتحادیه های صنفی به صورت مدیران اقتصاد جامعه می باید به اطاعت دولت درآیند (نظر تروتسکی)، برطبق دیگری می باید خودمختار باشند. چه پلا-تفرم " ده نفر" و چه پلاتفرم تروتسکی - بوخارین برخلاف پلاتفرم آپوزیسیون کارگری آن نوع سازمان دهی تولید را در نظر داشتند که دولت به صورت کارفرما در برابر کارگران قرار گیرد، و کار را تقسیم و مدیریت نماید، میزان تولید را تعیین کند، کارگران را از طریق سیستم اعطائیات تشویق نماید، آن ها را به توسط مزد و اشکال مزد تأدیب کند و غیره. موقعیت دولت به صورت کارفرما در برابر کارگران می توانست یا در شورای اقتصادی سازمان یافته و از سوی دولت معرفی شده متبلور گردد، یا در ارگان های اتحادیه های صنفی سازمان یافته به وسیله دولت. وجه مشترک هر دو پلاتفرم مخالف و پلاتفرم آپوزیسیون کارگری آن بود که در آن ها از یک طرف با لحن تبلیغاتی از " دموکراسی کارگری" و تقسیم امور مصرفی برحسب نیاز یا در هر حال برابر سخن گفته می شد، از طرف دیگر از مدیران معرفی شده برای کارخانه ها و اتحادیه های صنفی و مزد برحسب میزان کار، تأدیب به توسط مزد. به عنوان مثال نقل قول هایی می آوریم از پلاتفرم " ده نفر": " اساس سیاست و عمل تعرفه [ی مالیاتی] باید تقسیم حتی المقدور برابر کالای مصرفی در میان توده های کارگر باشد. همزمان اتحادیه های صنفی باید از مزد طبیعی و پولی به صورت وسیله تأدیب و افزایش مولد-یت کار (سیستم اعطائیات و غیره) استفاده نمایند.^{۲۱}" ترکیب اشخاص برای مدیریت جنبش صنفی روشن است که باید تحت کنترل اداره کننده حزب صورت پذیرد. ولی ساز-مان های حزبی باید با دقت ویژه متدهای عادی دموکراتیک پرولتاریایی را بالاخص در اتحادیه های صنفی به کار برند، که در آن ها توده های انبوه سازمان یافته قبل از هر امر باید به انتخاب مدیران به پردازند.^{۲۲}

این استنباط لنین که اتحادیه های صنفی نمی باید ارگان های بلاواسطه دولتی با-شند، اولاً به این معنا بود که به عقیده او امر ساختن ابزاری از اتحادیه های صنفی برای سیاست حزب، درحالی که آن ها همزمان جزیی خودمختاری را حفظ نمایند، آسان تر می بود: " هم اکنون نیز اتحادیه های صنفی به صورت ارگان های خالصاً دولتی

عملکردهای مشخصی دارند) تنظیم تعرفه های مزد، تقسیم لباس کار و غیره). در دولت شوروی این عملکردهای دولتی، که اتحادیه های صنفی دارا هستند، تدریجاً افزایش خواهند یافت. ولی کنگره عطف توجه می دهد به این که هر نوع آزمایشی برای تسریع مصنوعی تبدیل اتحادیه های صنفی به مؤسسات دولتی به هیچ شکلی موجب بهبودی وضعیت اقتصادی جمهوری نخواهد شد، اما تنها این نتیجه را خواهد داد، که نقش اتحادیه های صنفی به صورت مدارس کمونیسم دشوار گردد. تکلیف تا درجه زیاد به طور واقع جذب این سازمان های توده ای غیروابسته به حزب به دولت شوروی است، همزمان با این که آن ها اجازه حفظ ماهیت شان به صورت سازمان هایی را داشته باشند، که به روی کارگران با نقطه نظرات و برخوردهای مختلف، به روی کارگران سازمان یافته حزبی و غیروابسته به حزب، به روی باسوادان و بیسوادان، مذهبیون و غیرمذهبیون و قس علی هذا باز باشند.^{۲۳} دوماً بنابر استنباط فوق لنین، دولتی ساختن اتحادیه های صنفی همچنین قادر بود قدرت اتحادیه های صنفی را به اندازه قابل توجهی افزایش بخشد، و به این دلیل لنین از همان دومین کنگره اتحادیه های صنفی سرتاسر روسیه (زمستان ۱۹۱۹) به شدت به ضدیت با افکار درمورد دولتی ساختن اتحادیه های صنفی پرداخته بود؛ کنگره ای که در آن بحث دولتی ساختن اتحادیه های صنفی یکی از نکات اصلی را تشکیل می داد، و لنین شخصاً نطق اصلی را به مقصود خفیف نمودن تمایلاتی در جنبش صنفی در جهت دولتی ساختن اتحادیه ها ایراد نموده بود.

نظرگاه لنینیستی درمورد اتحادیه های صنفی برخوردار از پشتیبانی اکثریت قاطع در دهمین کنگره حزب بود. پلاتفرم "ده نفر" ۳۳۶ رأی، پلاتفرم تروتسکی - بوخا- رین ۵۰ رأی و پلاتفرم آپوزیسیون کارگری تنها ۱۸ رأی کسب نمودند.^{۲۴} تحت تدارک کنگره کوشش هایی جهت اعمال فشار بر آپوزیسیون کارگری و نقطه نظراتش به عمل آمده بود، چنان که منبعی از کمیته حزبی مسکو انتقاد آن از کمیته حزبی پطروگراد "از میل به غصب کردن کل تدارکات کنگره حزب" را نقل نموده بوده است. و در نامه ای از کمیته مسکو به کمیته مرکزی حزب مطالبه شده بوده، که کمیته مرکزی می باید "تقسیم عادلانه ماده پیشنهادات برای بحث را تضمین کند."^{۲۵} و در کنگره کولوننای متوجه گردیده بوده که پخش جزوه او "با زحمت" ممکن شده بوده است.^{۲۶}

با این همه تعداد آراء ظاهراً نباید مبین مناسبت یک طرفانه نیرو بین جناح های گوناگون بوده باشد. در آن تاریخ تقریباً یک سال از موجودیت آپوزیسیون کارگری سپری می گشت. آن ابتداء طی بهار ۱۹۲۰ به صورت یک گروه سیاسی درون حزبی ظاهر شده بود. سیاست آن غیرواقعی و ناقص بود. اندک بودن منابع - و علت اندکی منابع را باید در تاریخ نگاری رسمی ایدئولوژیک سازنده شوروی دید - سخن گفتن از ترکیب آپوزیسیون کارگری را دشوار می نماید. امضاء کنندگان برنهادهای آپوزیسیون اشخاص صنفی رهبری کننده، مدیران و اشخاص شورای اقتصادی، در وهله نخست متعلق به صنایع فلزکاری، ماشین سازی، اسلحه سازی و معادن بودند.^{۲۷}، به اضافه رؤسای کمیته-

های مرکزی اتحادیه کارگران نساجی و اتحادیه کارگران کشاورزی. شیلیاپنیکوف، رییس کمیته مرکزی اتحادیه فلزکاران سرتاسر روسیه، یگانه نام برجسته حزبی اسماً ذکر شده است. از لحاظ جغرافیایی پی روان آپوزیسیون عمده در بخش جنوب شرقی روسیه اروپایی متمرکز بودند. ضمناً آپوزیسیون یک چهارم آرای حزبی در ایالت مسکو را به دست آورده بود.^{۲۸}

از حیث سیاسی آپوزیسیون کارگری را باید به صورت بازتابنده نارضایتی افزایش یابنده جناح های رهبری کننده جنبش صنفی از نقصان یافتن نفوذ جنبش در رهبری و سازمان دهی تولید و اقتصاد اجتماعی درک نمود. آپوزیسیون از اتحادیه های به طور سنتی قوی و از لحاظ سیاسی فعال (فلزکاری، معادن) و از مناطق محلی شامل صنایع بزرگ و با سنت فعالیت سیاسی، مانند صنعت معادن در روسیه جنوب شرقی منشاء می گرفت. " وضعیت قدرت دوگانه " ای که در نخستین مراحل انقلاب بین ارگان های توده ای - در وهله نخست کمیته های کارخانه و شوراهای محلی - و ارگان های حزبی و دولتی وجود داشت، تا درجه فزاینده با درآورده شدن اقتصاد تحت اطاعت شورای اقتصادی و ناتوان ساخته شدن سازمان های پایه ای در اثر سیاست " کمونیسم جنگی" (Vojennyj kommunizm) (۲۱-۱۹۱۸) متدرجاً به طور قطع فروپاشیده بود. پلاتفرم آپوزیسیون کارگری اعتراض اشخاص صنفی رهبری کننده به ناتوان سازی جنبش صنفی از طریق تبدیل آن به ارگان اجرایی سازمان دهنده امور اقتصادی - ابزارگونه قدرت دولتی بود. شیلیاپنیکوف و کوتوزوف (Kutuzov)، رییس اتحادیه صنفی کارگران نساجی، در نطق شان در کنگره عطف توجه دادند، که چگونه تکامل سیاسی منجر به این گردیده بود که جنبش صنفی رو به از دست دادن پایه خویش بود، به این سبب که توده ها بیش از آن شاهد " هیچ فعالیت خلاقانه مستقلی"^{۲۹} در اتحادیه های صنفی نبودند.

پیشاپیش در ۳۰ دسامبر ۱۹۲۰ در ارتباط با هشتمین کنگره سویت (۲۹ مارس تا ۴ آوریل ۱۹۲۰) در جلسه ویژه ای، برگزار شده به وسیله فراکسیون بلشویکی کنگره حول مسئله اتحادیه های صنفی، شیلیاپنیکوف ضمن نطقی طرح خود برای برندهای صنفی را ارائه داده بود. او در این نطق توأماً گفته بود: " ما براین هستیم، که برقراری مجدد و تکامل دادن نیروهای مولده کشور ما فقط می تواند مشروط به این باشد، که کل سیستم سازمانی برای مدیریت اقتصاد جامعه تغییر داده شود. هسته مشاخره اینست، که حزب کمونیست ما به چه شکلی سیاست اقتصادی را در دوره انتقالی فعلی اجراء خواهد کرد: به یاری توده های کارگر سازمان یافته به صورت صنفی یا (...)

به صورت دیوان سالارانه (بوروکراتیک) به کمک مقامات قانونی شده."^{۳۰}

موضوعات اصلی انتقاد آپوزیسیون کارگری از حزب عبارت بودند از: دیوان-سالارانه کردن، مدیریت کمیسرها و متخصصین، جلوگیری شدن از تکامل شخصی خلاقانه و فعالیت توده ها. کولونتای در نطقش در سومین کنگره انترناسیونال کمونیستی (گمینترن) (Kommunistischesii Internatsional (Komintern) (۲۲ ژوئن-۱۲ ژوئیه ۱۹۲۱) تا آن جا رفت که گفت، برای طبقه کارگر پیاده کردن یک انقلاب تازه برضد

قشر حاکم متخصصین و دیوان سالاران می تواند خود را لازم نشان دهد. او هم چنین عطف توجه داد، که آپوزیسیون کارگری هنوز در هیچ جایی و هرگز " استفاده " از متخصصین فنی و اقتصادی را رد نکرده است. ولی استفاده از آن ها یک چیزست، پذیرفتن قدرت آن ها چیز دیگری است. یکی از مطالبات اصلی آپوزیسیون کارگری برکناری عناصر بیگانه با طبقه کارگر از ارگان های حزبی و دولتی بود. ضمناً به عقیده آپوزیسیون در بنای اقتصاد کمونیستی نمی باید نیروی خلاقانه عظیم پرولتاریا با یک برجسب رسمی دیکتاتوری پرولتاریا تعویض گردد.

برخلاف دو پلاتفرم دیگر، در پلاتفرم آپوزیسیون کارگری محول گشتن اداره تولید به اتحادیه های صنفی خودمختار مطالبه شده بود. آپوزیسیون برای روشن گردیدن تکلیف موضوع مدیریت و سازمان دهی تولید احضارشدن یک " کنگره مولدین متحد در اتحادیه های صنفی سرتاسر روسیه " را، که می باید ارگان مرکزی مدیریت کل اقتصاد جمهوری را انتخاب نماید، خواستار بود.^{۳۲} در هر کارخانه ای کارگران و کارمندان می باید یک کمیته کارگری انتخاب کنند، که سلول اساسی سازمانی مطیع اتحادیه صنفی مربوطه باشد و وظایفش عبارت گردد از:

" (آ) مدیریت کارگاه تولیدی کلیه کارگران و کارمندان در واحد اقتصادی مربوطه، (ب) رسیدگی به کلیه نیازهای مولدین (...)."^{۳۳}

وانگهی پلاتفرم آپوزیسیون کارگری برخلاف پلاتفرم های دیگر چند مطالبه مشخص در زمینه بهسازی شرایط مادی طبقه کارگر را مطرح ساخته بود.^{۳۴} مطالبات آپوزیسیون کارگری در زمینه تولید سازمان یافته دموکراتیک واقعی و سمت گیری واقعی به صوب برآورده ساختن نیازهای مادی توده ها و " فعالیت خودی" نشانگر شخصیت آپوزیسیون کارگری به صورت یک آپوزیسیون سیاسی حقیقی بود. آپوزیسیون تمایلات به یک استنباط از انقلاب، متفاوت با استنباط مسلط در حزب را حمل می نمود. در استنباط حزب از انقلاب، حزب فاعل و طبقه مفعول در نظر گرفته می شدند. طبقه می باید ادراک انقلابی را از بیرون (از حزب) کسب نماید، و در زمینه بنای سوسیالیسم حزب/ دولت و طبقه یکسان تلقی می گردیدند. از دیگر سو مهم است به خاطر داشتن این که آپوزیسیون کارگری یک آپوزیسیون درون حزبی بود. نیز در مورد آپوزیسیون جالب این که آن با تشخیص تغییر ناگهانی در مسیر حزب و دور افتادن حزب از " خط سیاسی طبقاتی ثابت"، از حزب خواستار بازگشت به همان خط انقلابی بود. انتقاد آپوزیسیون کارگری از حزب نیز از محدوده انتقاد نمونه آپوزیسیون درون حزبی فراتر نمی رفت.

از لحاظ تئوری انقلابی مشکل آپوزیسیون کارگری را در این می توان دید، که آن از یک سو مایل بود فعالیت خلاقانه خودی توده های کارگر انقلاب را شکل دهد، از دیگر سو مایل بود حزب این تکامل را هدایت و محتوایش را تعیین نماید. ضمناً تصورات مشخص آن از اصول رهبری دموکراتیک کارگری رسمی و بهسازی مادی شرایط طبقه کارگر (روابط بهداشتی کار، مساکن مناسب تر و سالم تر و غیره) و

تولید سازمان یافته معقولانه تر که در آن کار غیرمولد به حداقل ممکن منحصر گردد، فراتر نمی رفت.

برخلاف خط لنینیستی که طبقه کارگر را بدون رهبری حزب قادر به تجاوز از نقطه نظرات محدود و کوتاه بینانه اتحادیه ای صنفی نمی دید، آپوزیسیون کارگری به نیروی خلاقانه خود طبقه، طبقه کارگر باور داشت. اما موضوع اینست که تصور فعال- لیت خودی طبقه کارگر یا کاملاً مجرد باقی می ماند، یا آن که محتوایش در سمت هایی معین می گردید که کاملاً مطابق سیاست و اهداف عمومی حزب باشند. در نتیجه فقر تصورات، آپوزیسیون کارگری به عوض طرح مسئله نوع سازمان- دهی کار و شرایط هستی، به شکل مجرد مسئله را به این تبدیل ساخته بود، که مدیران تولید و اقتصاد جامعه یا کارگران اند یا عناصر " بیگانه با طبقه ".

دهمین کنگره حزب پیشنهادات لنین " درباره وحدت در حزب " ^{۳۵} و " درباره انحرافات سندیکالیستی و آنارشستی در حزب ما " ^{۳۶} را که خواستار قدغن گردیدن فعالیت فرا- کسیون در حزب و خاصه محکوم ساختن آپوزیسیون کارگری بودند، با ۴۰۰ رأی موافق در مقابل ۲۵ رأی مخالف (یا ۳۶۸ رأی موافق در مقابل ۳۰ رأی مخالف) تصویب نمود. ^{۳۷} راهبرد برابر آپوزیسیون کارگری دوجانبه بود، به این معنی که همزمان با بی- اثر ساختن آپوزیسیون، آن جزیی از دستگاه حزب نیز گردانده شد. از جمله به خواست لنین عضو برجسته آپوزیسیون کارگری، شیلیاپنیکوف، برخلاف میل شخصی او به عضویت کمیته مرکزی حزب در آورده شد، که آن نیز چند ماه بعد، در ۹ اوت ۱۹۲۱، به علت ادامه یافتن فعالیت مخالف شیلیاپنیکوف لغو گردید.

به دنبال به تصویب رسیدن پیشنهاد " درباره وحدت در حزب " هر نوع فعالیت فراکسیونی با خطر مجازات اخراج از حزب مواجه گردید. آپوزیسیون کارگری پس از شکست خوردن در دهمین کنگره حزب دو بار از طریق کمینترن به کمونیست های خارجی متوسل گشت.

اولین بار در سومین کنگره کمینترن، علی رغم به تصویب رسیده شدن ممنوعیت فعالیت فراکسیونی، به توسط نطق کولونتای از طرف آپوزیسیون کارگری بود. کولونتای در این نطق انتقاد آپوزیسیون از خط حزبی مسلط را به عمل آورد. ^{۳۸} تنها پاسخی که او دریافت داشت تحقیر بزرگ منشانه، استهزاء آمیز از ناحیه تروتسکی و بوخارین بود! بیانات کولونتای نیز تحریف شد.

واقعیت اینست که کمونیست های خارجی انگشت شماری جرئت تردید در راهبرد- ها و تحلیلات بلشویک ها و انتقاد از آن ها را به خود می دادند. نمایندگان حزب کارگر کمونیست آلمان (ک.آ.پی.دی) ((Kommunistische Arbeiterpartei Deutschlands (KAPD) (یک گروه آپوزیسیون چپ منشعب در سال ۱۹۲۰ از حزب کمونیست آلمان) یک چنان جرئتی را در کنگره ابراز داشتند. پس از نطق لنین در موضوع راهبرد فعلی حزب

روسیه، که در ضمن آن او از جمله به استدلال ضرورت " نپ " پرداخت، نمایندگان ک.آ.پی.دی تضاد بین روابط اقتصادی با ممالک سرمایه داری و پشتیبانی از تکامل انقلابی در آن ممالک را مطرح ساختند؛ ضمناً آن ها به انتقاد از سلطه مطلق بلشویک ها در کمینترن و برتابیده شدن آن وضع از سوی احزاب غربی پرداختند.^{۳۹}

پیش از کنگره کمینترن تماسی بین نمایندگان ک.آ.پی.دی و آپوزیسیون کارگری به این طریق صورت گرفته بود، که کولونتای به عنوان یک شرکت کننده در آپوزیسیون دست نویس جزوه آپوزیسیون کارگری^{۴۰} را به این مقصود در اختیار یک عضو ک.آ.پی.دی قرار داده بود، که احياناً در صورتی که او را به علت سخنرانی از طرف آپوزیسیون کارگری در کنگره کمینترن بازداشت نمایند، آن عضو ک.آ.پی.دی دست نویس وی را در نزد خود به امانت حفظ کند.^{۴۱} قراین حاکی است که اعضای آپوزیسیون کارگری در برقراری تماس با ک.آ.پی.دی محتاط بوده اند، چنان که عضو ک.آ.پی.دی اشاره کرده است که شیلیاپنیکوف و لوتوینوف (Lutovinov) از او پرهیز نمودند، و کولونتای پس از کنگره کمینترن از او درخواست کرد دست نویس را که به آلمان ارسال گشته بود، به او بازگردانند.

بار دوم توسل آپوزیسیون کارگری از طریق کمینترن به کمونیست های خارجی نیز به توسط کولونتای - که هم چنین قائم مقام دبیرخانه بین المللی زنان در کمینترن بود - به عمل آمد، که او " اعلامیه ۲۲ نفر " را به پلنوم تمدید شده کمیته اجرایی کمینترن (فوریه - مارس ۱۹۲۲) تحویل داد. کمیته اجرایی شیلیاپنیکوف و کولونتای را از طرف آپوزیسیون کارگری احضار نمود. و آن منجر به این گردید که یک کمیسیون تحقیق به منظور رسیدگی به انتقاد ۲۲ نفر با حضور چند نماینده احزاب کمونیست اروپایی تشکیل بیابد. چنان که از نتایج ذکر شده گزارش در پروتکل کمیسیون برمی آید، کمیته اجرایی و کمیسیون آن با استثنائاتی خود را کاملاً با خط لنینیستی حزب وفق دادند. تصمیم کمیسیون مطلقاً انتقاد ۲۲ نفر را رد کرده، از آنان به سبب شیوه رفتار خصمانه با حزب و انقلاب انتقاد نمود، علی رغم این که انتقاد ۲۲ نفر صرفاً در مجامع درون حزبی به عمل آمده بود. (نظر به اهمیت " اعلامیه ۲۲ نفر " و پروتکل کمیسیون کمینترن، این نگارنده متن دو سند را به فارسی برگردانده، به صورت دو پیوست به بررسی در دست ذیل در اختیار خوانندگان قرار داده است.)

کنگره بعدین حزب، یازدهمین کنگره (مارس - آوریل ۱۹۲۲) کمیسیونی تشکیل داده، تأکید نمود، چند عضو آپوزیسیون کارگری سابق، خاصه کولونتای، شیلیا-پنیکوف و مدودف (Medvedev)، می باید به دلیل تجاوزشان در چند نکته از ممنوعیت فعالیت فراکسیونی مصوبه دهمین کنگره، از حزب اخراج گردند. اما سپس تصمیم به این نحو تغییر داده شد که اخراج سه رهبر نامبرده آپوزیسیون کارگری تنها مشروط به ادامه فعالیت فراکسیونی باشد. دو عضو کم تر سرشناس دیگر آپوزیسیون کارگری در یازدهمین کنگره از حزب اخراج گردیدند.^{۴۲}

نطق دفاعیه اعضای رهبری کننده آپوزیسیون کارگری در یازدهمین کنگره - تا جایی که آگاهییم - آخرین بار ظاهر شدن آپوزیسیون کارگری در حزب بوده باشد. آپوزیسیون کارگری به مثابه گروهی با یک نوع پایه توده ای قادر به ادامه فعالیتش پس از ممنوعیت فراکسیونی و محکومیت سیاسی نگردید، و احتمالاً طی سال ۱۹۲۲ منحل شد، هرچند ظاهراً بعضی از اعضای آن چون شیلیاپنیکوف و مدودف تا سال ۱۹۲۶ فعلاً- لیت شان را با به پیش کشیدن نقطه نظرات مخالف نظیر آن که طی ۲۲- ۱۹۲۰ مطرح ساخته بودند، ادامه دادند. ۴۳ ماده اندک در دست درباره آپوزیسیون کارگری تشریح پروسه انحلال آن را غیرممکن می سازد.



(پیوست ۱) اعلامیه ۲۲ نفر

به اعضای کنفرانس بین المللی انترناسیونال کمونیستی
رونوشت به تی.ک، آر.ک.پی (CK, RKP)
رفقای عزیز!

ما از جرایدمان آگاهی یافتیم، که کمیته اجرایی انترناسیونال کمونیستی درباره مسئله " جبهه وحدت کارگری" بحث می نماید، و ما این را یک وظیفه کمونیستی به شمار می آوریم شما را مطلع سازیم، که در مملکت ما وضع جبهه وحدت وخیم است نه تنها به معنی عمیق این کلمه، بلکه حتی از لحاظ استعمال آن در میان رده های حزبی ما.

درحالی که نیروهای عناصر بورژوایی از هر جانب در میان ما نفوذ می نمایند، درحالی که آن ها در داخل حزب ما نفوذ می نمایند، حزبی که ترکیب اجتماعیش (۴۰ درصد کارگر و ۶۰ درصد غیرپرولتار) تسریع کننده آنست، مراکز رهبری ما مبارزه ای آشتی ناپذیر، مخرب برضد همه، خاصه برضد پرولتارها که به خود اجازه دارا بودن عقیده شان را می دهند، و برضد بیان آن در حزب با هر نوع تدبیر بازدارنده ممکن به پیش می برند.

سعی نزدیک ساختن توده های پرولتاریا به دولت " آنارکو - سندیکالیسم " خوانده می شود، و پی روان مورد آزار و بی اعتبار سازی قرار می گیرند.

در داخل جنبش صنفی تصویر مشابه جلوگیری از فعالیت خودی و ابتکار کارگران، مبارزه برضد دگراندیشان با همه امور وجود دارد. دیوان سالاری حزب و جنبش صنفی، که نیروهای شان را متحد ساخته اند، با استفاده از مقام و قدرت شان تصمیمات کنگره های ما درمورد تحقق دموکراسی کارگری را نادیده می گیرند. از فراکسیون های اتحادیه ای ما، حتی از کل فراکسیون های کنگره حق بیان تمایل شان در انتخابات مراکز خویش سلب می گردد. قیمومت و فشار دیوان سالاری به جایی رسیده است، که با تهدید به اخراج و تدابیر بازدارنده دیگر به اعضای حزب دستور خودداری از انتخاب آن چه که کمونیست ها طالب شان اند، ولی [انتخاب] آن چه که دوایر رهبری بی اعتناء خواهان شان اند، داده می شود. چنین شیوه-های کار به شغل پرستی، توطئه و چاپلوسی منجر می گردد، و پاسخ کارگران به آن ترک حزب است. ما ضمن سهیم دانستن خود در ایده وحدت کارگری به آن صورتی که در نکته ۲۳ برنهادهای تفسیر گردیده است، تمایل صادقانه مان را به شما برای خاتمه داده شدن به کلیه غیرعادت ها-یی، که مانعی در برابر این جبهه وحدت، قبل از همه در داخل آر.ک.پی [حزب کمونیست روسیه (Rossiiskaja Kommunističeskaja Partija (RKP))] هستند، ابراز می داریم. وضع امور به اندازه ای در حزب ما وخیم است، که ما را مجبور از توسل به شما و از این طریق مقابله با تهدید مشرف تفرقه در حزب مان می سازد. با درود کمونیستی اعضای آر.ک.پی:

| اسامی | شماره عضویت حزبی | عضو حزب از تاریخ |
|---|------------------|------------------|
| ام. لوبانوف (M. Lobanov) | ۱۳۶۳۰۸ | ۱۹۰۴ |
| ان. کوزنتسوف (N. Kuzentsov) | ۱۴۲۵۰۶ | ۱۹۰۴ |
| آ. پولوساتوف (A. Polosatov) | ۸۷۸۲۲۵ | ۱۹۱۲ |
| آ. مدووف (A. Medvedev) | ۶۴۵۱۸۶ | ۱۹۱۲ |
| جی. میاسینکوف (G. Mjasinkov) | ۲۵۹۰۰۲ | ۱۹۰۶ |
| وی. پلاشکوف (V. Plasjkov) | ۲۲۳۱۶۷ | ۱۹۱۸ |
| جی. شوخانوف (G. Sjochanov) | ۱۳۷۴۲۵ | ۱۹۱۲ |
| اس. مدووف (S. Medvedev) | ۲۲۵۱۳۶ | ۱۹۰۰ |
| جی. برونو (G. Bruno) | ۲۱۳۶۱۸ | ۱۹۰۶ |
| آ. پراودین (A. Pravdin) | ۴۷۸۱۴۹ | ۱۸۹۹ |
| آی. ایوانوف (I. Ivanov) | ۱۶۰۰۲۲ | ۱۸۹۹ |
| اف. میتین (F. Mitin) | ۴۶۶۵۴۳ | ۱۹۰۲ |
| پی. بوریسوف (P. Borisov) | ۲۲۳۰۴۵ | ۱۹۱۳ |
| ام. کویپلوف (M. Kopylov) | ۲۲۴۰۹۸ | ۱۹۱۵ |
| چلیشف (Tjelysjev) | ۲۱۰۰۰۹ | ۱۹۱۰ |
| تولوکونسف (Tolokoncev) | ۲۱۲۲۲۶ | ۱۹۱۴ |
| آ. شیلیاپنیکوف (A. Sijlapanikov) | ۲۲۵۳۸۳ | ۱۹۰۱ |
| ام. بورولین (M. Borulin) | ۲۲۲۹۵۵ | ۱۹۱۷ |
| وی. بکرنف (V. Bekrenev) | ۶۴۴۱۵۸ | ۱۹۱۷ |
| آ. پاولوف (A. Pavlov) | ۱۳۶۰۲۴ | ۱۹۱۷ |
| آ. تاشکین (A. Tasjkin) | ۵۸۷۱۵۸ | ۱۹۱۷ |
| من ملحق می شوم، آ. کولونتای (A. Kollontaj) | ۲۲۵۰۲۵ | ۱۸۹۸ |
| من به ۲۲ رفیق امضاء کننده ملحق می شوم، زویا شادورسکایا (Zoja Sjadurskaja) | | |

[۴۳]

(پیوست ۲) پروتکل کمیسیون کمینترن

۲۶ فوریه ۱۹۲۲ اعلامیه فوق الذکر، که به روسی و به زبان خارجی به تحریر درآمده بود، به ریاست جلسه تمدید شده کمیته اجرایی بین الملل کمونیستی تحویل داده شد، بدون آن که هیئت روسی یا کمیته مرکزی آر.ک.پی به هیچ نحو از قبل مطلع بوده باشد. این اعلامیه به توسط رفیق کولونتای به ریاست تحویل داده شد. پولیت بورو [اداره سیاسی] کمیته مرکزی به سند رسیدگی نمود و سپس به اتفاق آراء تصویبنامه زیر را پذیرفت:

" پولیت بورو کمیته مرکزی یک رونوشت از اعلامیه ۲۲ رفیق را، که خطاب به اعضای کنفرانس بین الملل کمونیستی بود، دریافت داشته است، و - بدون مخالفت با حق یکایک رفقا برای مراجعه به کمینترن به عنوان عالی ترین مرجع - مسئولیت باز نمودن ماهیت حقیقی این اعلامیه و تحریفات واقعیات در آن را در کمیسیونی در صورت تشکیل یافتن از سوی کنفرانس، به رفقا زینوویف (Zinoviev) و تروتسکی محول می سازد. کمیته مرکزی رفقا زینوویف و تروتسکی را مسئول می سازد، که به کنفرانس اسنادی از دهمین کنگره آر.ک.پی را ارائه دهند، که ثابت می نماید کنگره سال قبل تصورات و فعالیت فراکسیونی رفقای را، که بخشی از آن ها امضاء کنندگان اعلامیه اند، محکوم ساخته است."

براساس اعلامیه ۲۲ نفر و تصمیم پولیت بورو کمیته مرکزی آر.ک.پی جلسه تمدید شده کمیته اجرایی بین الملل کمونیستی به اتفاق آراء کمیسیون ویژه ای به منظور تحقیق شکایت فوق الذکر انتخاب نمود؛ کمیسیون ویژه مرکب بود از رفقای زیر: کلارا زتکین (Clara Zetkin) (آلمان)، مارسل کاشین (Marcel Cachin) (فرانسه)، فریس (Fries) (نروژ)، کولاروف (Kolarov) (بلغارستان)، کریبیچ (Kreibich) (چکسلواکی)، تراچینی (Terracini) (ایتالیا) و مک مانوس (Mac-Manus) (انگلستان).

کار این کمیسیون تحت مدیریت رفیق کولاروف بود. کمیسیون دو جلسه برگزار نمود، یکی از آن ها با نمایندگان گروه تحویل دهنده شکایت. به این جلسه رفقا شیلیاپنیکوف، کولونتای و پراودین دعوت گردیدند. ضمناً رفیق سربریاکوف (Serebrjakov) براساس اطلاعات آنان یکی از نکات شکایت (سفارش لوکوموتیوها به خارج) را بازپرسی نمود. جلسه دیگر اختصاص به گفت و گو با نمایندگان کمیته مرکزی آر.ک.پی (رفقا تروتسکی، زینوویف و رودزوتاک (Rudzutak) و رسیدگی به اتهامات ارائه شده داشت.

این جلسه اخیر بدین گونه جریان یافت. در حضور کمیسیون متشکله رییس کمیسیون، رفیق کولاروف، به نمایندگان کمیته مرکزی پیشنهاد نمود، که آنان از دیکته او اتهاماتی را که از طرف رفقا شیلیاپنیکوف و کولونتای به پیش کشیده شده، به کوتاهی یادداشت، و بعد به یکایک نکات رسیدگی نمایند.

این اتهامات از طرف رفقا شیلیاپنیکوف و کولونتای را کولاروف به شکل زیر تنظیم کرد:

۱. در حزب انتقاد آزاد مجاز نیست. نه حتی قبل از به تصویب رسیدن تصمیمات بحث ها مجاز نیست. همه چیز تنها به وسیله کمیته مرکزی تعیین می گردد. حزب در برابر واقعیت

آماده گشته قرار داده می شود. یک جانبه ترین نمونه از این نظر: تصمیم حزب در مورد مسئله راهکار جبهه وحدت.

۲. کمیته مرکزی آر.ک.پی به اعمال فشار مداوم بر کمیته های محلی برای انتخاب منشیان و دیگر مقامات می پردازد. کمیته مرکزی منظمأ اقدام به ارسال منشیان نامزدش به ایالات می-نماید، و در صورت عدم موافقت کمیته های ایالتی با پیشنهادات کمیته مرکزی اموری برای جلب موافقت اجباری شان می یابد.

۳. مراجع حزبی نسبت به کارگران بی اعتناء هستند. هیچ امکانی در اختیار کارگران برای شرکت جدی در کار سازمان های حزبی، اتحادیه های صنفی و شوراها قرار داده نمی شود. این منتج به رشد نامطلوب گرایش به دیوان سالاری می گردد. در ترکیب حزب خُرده بورژوازی تسلط دارد. کارگران بیش تر و بیش تری حزب را ترک می گویند. خطر زوال اجتماعی حزب بزرگ است.

۴. کمیته مرکزی آر.ک.پی به اعمال فشار منظم بر فراکسیون های کمونیستی اتحادیه-های صنفی می پردازد. کمیته مرکزی برخلاف تصورات و تمایلات کارگران و اتحادیه های صنفی لیست های مشابه خود را به پیش می کشد و فراکسیون های اتحادیه های صنفی را وادار از تأیید این لیست ها می سازد.

۵. حزب در صدد تحریک آپوزیسیون کارگری می باشد. به دنبال سومین کنگره [ی گمینترن (ژوئن - ژوئیه ۱۹۲۱)] یک کارگزار وی.تی.ج.ک (VTJK) [کمیسیون ویژه سرتاسر روسیه برای مبارزه با ضدانقلاب و خرابکاری (-) *Vserossijskaja Tjrezvtyjajnaja Komissija po bor'be s Kontrevol-* (Rubinov)، در نزد منشیان شیلیایی نیکوف و کولونتای با پیشنهاد تشکیل گروه بین الملل چهارم^[۴۴] ظاهر شده است. تحریک به مقصود تراشیدن بهانه ای برای اخراج شیلیایی نیکوف و کولونتای از حزب بوده است.

۶. در آپارتمان شیلیایی نیکوف در مسکو تفتیش خانگی به عمل آمده است، با وجود این که او عضو کمیته مرکزی حزب می باشد. نامه ای از روال (Reval) به آدرس شیلیایی نیکوف، که در آن از مأموریت جاری شکایت شده بوده، به دست کسی باز شده است. نامه به عوض تحویل داده شدن به شیلیایی نیکوف به کسی که از او در نامه شکایت شده بوده، ارسال گردیده است. پس از گزارش شیلیایی نیکوف کمیته مرکزی حزب مسلماً تصمیم تحقیق در این مورد را اتخاذ نموده، اما تا به امروز نتیجه ای از این تحقیق حاصل نشده، و نفس تصمیم ظاهراً به مقصود منحرف سا-ختن توجه بوده است.

۷. آخرین انتخابات برای شورای مسکو تحت تحریم واقعی از طرف کارگران صورت گرفته است. حتی کارگرانی که به کمونیست ها رأی داده اند، این را اغلب از بیم انتقام و بیم باطل شدن انتخابات در صورت عدم انتخاب کمونیست ها انجام داده اند.

۸. دولت شوروی بیهوده طلا حیف و میل می کند. سفارش لوکوموتیوها به آلمان و سوئد خسارت زیادی به جمهوری رسانده است، کارگران روسی کماکان بیکار مانده اند، در حالی که کارخانجات واگن های راه آهن دایر در روسیه قادر به ساختن لوکوموتیوها در زمانی کوتاه تر و به بهای کم تر از نصف می باشند. قبل از جنگ در روسیه ۱/۲۰۰ لوکوموتیو در سال تولید می-گردیده است.

۹. تصفیه در حزب (اندیشه تصفیه از آن آپوزیسیون کارگری بوده) به شدت به تعویق افکنده شده است. مثال: [در] سازمان زاریتسین.

۱۰. رفقای امضاء کننده شکایت ۲۲ نفر به این مناسبت هم اکنون از سوی کمیسیون کنترل مرکزی دعوت شده اند؛ این طبیعتاً آغاز انتقام است.

۱۱. در کنگره فلزکاران سرتاسر روسیه برخی پیشاپیش اشاره نموده اند، که کمیسیون بین-المللی منتخبه جلسه تمدید شده کمیته اجرایی کمینترن قدر مسلم ارائه دهندگان شکایت را محکوم خواهد ساخت.

۱۲. بین ۳۵ منشی در کمیته های ایالتی فقط سه کارگر وجود دارند. بقیه کارگر نیستند (روزنامه نگار و غیره اند).

۱۳. کارگران بیش تر و بیش تری حزب را ترک می نمایند. مثال: از مه تا اوت ۳۰۶ کارگر و ۱۸۵ غیرکارگر از سازمان مسکو خارج گشته اند.

در شهرهای دیگر وضع وخیم تر است.

۱۴. زمانی که رفیق میاسینکوف نامه ۲۲ نفر را امضاء می نموده، هنوز از حزب اخراج نگردیده بوده است. او خبر اخراجش را دو روز بعد از تحویل داده شدن اعلامیه ۲۲ نفر دریافت داشته است.^[۴۵]

۱۵. قطعنامه های کنگره های آر.ک.پی پسندیده اند، ولی کمیته مرکزی و کمیته های محلی اجرای شان نمی نمایند.

نتیجه: آر.ک.پی با افراد مطلق از طرف کارگران مواجه است. کارگران حزب را ترک می-گویند. حزب خُرده بورژوازی می گردد.

شیلیاپنیکوف اظهارنظر می نماید، که او موافق با تشکیل یافتن فراکسیون ویژه ای نیست، اما کارگران باید امکان شرکت در زندگی حزبی را بیابند، و کارگران باید پست های حزبی را اشغال نمایند.

رفقا تروتسکی، زینوویف و رودزوتاک به بررسی مفصل جمیع این نکات پرداختند. به دنبال این بررسی رفیق مارسل کاشین یادداشت ذیل را از دفترچه اش به جهت تکمیل نمودن اتهامات بر علیه شیلیاپنیکوف و کولونتای از سوی کمیسیون قرائت نمود:

" کولونتای اظهار داشت: هنگامی که کارگران اعتصاب می کنند، گاردیست های سرخ عمل اعتصاب شکنی انجام می دهند. گاردیست های سرخ کارخانه ها و کارگاه هایی را که کارگران ترک می کنند، اشغال می نمایند، و کار آنان را انجام می دهند.

شیلیاپنیکوف به ما اظهار داشت: برای آن ها، خارجیان، نمایشات عمومی و دولتی ترتیب داده می شود، که فقط ظاهر سازی است. در واقعیت یک جنبش اعتصاب بزرگ در جریان است. طبقه کارگر از دولت کنونی روی گردان می شود. چنان که شما شاهدید، در همه جا ناآرامی شدید حکمفرماست."

این دو اظهارات افراطی شیلیاپنیکوف و کولونتای، که رفیق کاشین از دفترچه اش نقل نمود، طبیعتاً توجه خاص نمایندگان کمیته مرکزی آر.ک.پی رفقا تروتسکی، زینوویف و رودزوتاک را به خود جلب نمود. آن ها بار دیگر از رفقا توضیح خواستند، و جمیع اعضای کمیسیون تأکید نمودند، که اظهار نظرات دقیقاً به همان صورت بوده است.

به کمیسیون نامبرده اعلامیه کتبی زیر از سوی شیلیاپنیکوف و کولونتای تحویل داده شد:

" هدف ما از مراجعه به کنفرانس کمیته اجرایی کمینترن:

آ. اعلام خطر به کمیته مرکزی آر.ک.پی در مورد خطرات مهمی که حزب را در اثر سیاستی که به پیش می برد، تهدید می نمایند:

۱. از بین رفتن وحدت حزب با پرولتاریا.
۲. تضعیف نقش و نفوذ پرولتاریا هم در حزب و هم در ارگان های قدرت دولتی.
۳. زوال اجتماعی کامل حزب به صورت عاقبت اجتناب ناپذیر این پدیده ها، زوالی که هم اکنون در داخل حزب مرئی است.

۴. اعلام خطر به کمیته مرکزی آر.ک.پی در مورد این که رژیم موجود تحت شرایط فعلی و با ترکیب اجتماعی کنونی حزب واقعاً باعث خروج انبوه کارگران از حزب و تقویت گردیدن نقش و نفوذ عناصر غیرپرولتاریایی در حزب خواهد شد.

ب. جهت حفاظت حزب از خطرات مذکور، به عقیده ما مطلقاً ضروری است:

۱. تضمین پست های مدیریت برای اعضای پرولتاریایی در حزب و شوراها، شرکت دادن واقعی انبوه کارگران بدون حزب در اجرای بلاواسطه وظایف دولتی.

۲. پیشنهاد به کمیته مرکزی آر.ک.پی مبنی بر اجرای واقعی تصمیمات دهمین کنگره در مورد دموکراسی کارگری در حزب و در جنبش صنفی.

۳. تضمین انتقاد آزاد واقعی در داخل حزب، که بدون آن دمیدن حیات تازه در حزب، عملی ساختن ابتکارات خودی و تربیت خلق برای ابتکاراتی که ارتقاء دهنده سطح ادراک عمومی و انضباط آگاهانه اعضای حزب باشد، غیرممکن است.

۴. خاتمه دادن به این که اظهار نظرات مخالف در حزب و در کار شورا باعث آزار گردد، و کارگران کمونیست به این نحو بی اعتبار گردانده شوند، که نظرات مخالف شان با تصمیمات سران حزب در ستون 'آنارکو-سندیکالیسم' جای داده شود."

به دنبال این دو اعلامیه و به دنبال بررسی چند نامه و مواد مختلف کمیسیون منتخبه کمینترن به اتفاق آراء تصمیم زیر را اتخاذ نمود:

"به مناسبت شکایت ۲۲ رفیق روس از آر.ک.پی و پیرو اعلامیه مصوبه به اتفاق آراء از سوی کمیسیون ویژه متشکله به این هدف مرکب از رفقا کلارا زتکین، کاشین، فریس، کولا-روف، کریبیچ، تراچینی و مک مانوس پلنوم تمدید شده کمیته اجرایی بین الملل کمونیستی ذیلاً اعلام می دارد:

برای ما کمونیست ها امری نه تازه و نه غیرمنتظره بوده، که وضعیت وخیم روسیه شوروی همچنین پدید آورنده وضعیت دشواری برای آر.ک.پی بوده است. در چنین وضعیتی توافق ویژه و انضباط، به کار گرفتن همه نیروها در حزب حائز ضرورت است، تا به این وسیله حاکمیت پرولتاریایی سازمان یافته به وسیله حزب چه دروناً و چه برونماً تضمین گردد. سیاست اقتصادی نوین، که به طور اجتناب ناپذیر مرتبط با امتیازات به سرمایه داری و به دهقانان خرد و متوسط است، این خطر را حمل می نماید، که نفوذ خُرده بورژوازی هم در ارگان های دولت و هم در حزب تقویت گردد. اظهار نظرات نمایندگان آن بخشی از به اصطلاح آپوزیسیون کارگری که تحت رهبری شیلیاپنیکوف و کولونتای قرار دارد و اظهار نظرات نمایندگان کمیته مرکزی آر.ک.پی در کمیسیون نشان می دهد، که مرکز رهبری آر.ک.پی از بدو امر متوجه به این خطر-ات و نیز به خطر گرایش به دیوان سالاری بوده است، و با قاطعیت با این خطرات مقابله نموده و این مبارزه را تحت شرایط عینی دشوار بی سابقه ای به پیش برده است.

آنان که این اعلامیه را امضاء نموده اند، از پشت به حزب حمله می کنند؛ انتقاد آنان عاری از وضوح ضرور است، و این نه تنها در بخش مربوط به علل اختلافات جاری، بلکه هم چنین در بخش مربوط به جست و جوی وسایل و طرقی برای غلبه بر این اختلافات. موضعی که رفقای شاکلی اتخاذ نموده اند، به هیچ شکلی یاور حزب نبوده و ابداً آن را در مبارزه اش بر علیه شرایط غیرعادی عینی پدیدار تقویت ننموده است، اما برعکس حزب را از نیروهای باارزشی محروم ساخته و همزمان 'از چپ' سلاحی در اختیار دشمنان کمونیسم - منشویک ها و حتی ضدانقلاب - بیون سفید از بدترین جنس - برای ضدیت با حزب و با دیکتاتوری پرولتاریا نهاده است.

بنابراین پلنوم تمدید شده کمیته اجرایی نمی تواند شکایت ۲۲ رفیق را بجا تلقی نماید. آن تأکید می ورزد، که این رفقا با شکل برخوردشان مستقیماً برضد تصمیمات متعهد سازنده دهمین کنگره آر.ک.پی درباره وحدت حزب و انحراف آنارکو- سندیکالیستی عمل می نمایند. کمیته اجرایی یک اخطار جدی به این رفقا می دهد و توجه آنان را به این معطوف می دارد که با ادامه مبارزه درپیش گرفته شان ضرورتاً در ضدیت با آر.ک.پی، با وظایف آن و با مصالح پرو- لتاریای روسیه قرار خواهند گرفت، و به این شکل خود را در بیرون از صفوف بین الملل سوم جای خواهند داد.

پلنوم امیدوارست، که شناخت و آموزش کمونیستی رفقای آپوزیسیون را وادار از قرار گرفتن در موقع شان و به پیش بردن مبارزه مشترک برضد خطراتی به سازد، که مولود شرایط اند، و آنان مانند حزب بدان ها واقف می باشند، و باید به همراهش بر آن ها غلبه نمایند. کنفرانس هر صدمه ای به آر.ک.پی را صدمه ای به روسیه شوروی و به کل کمینترن تلقی می نماید.

کنفرانس آرزومندست، که دقیقاً وضعیت جدی پرولتاریای روسیه را وادار از پیوستن تنگ- تنگ و مستحکم تر به آر.ک.پی جهت دفاع از روسیه شوروی و انقلاب جهانی به سازد.^{۴۶} ۴ مارس این تصویبنامه به مدت چند ساعت در جلسه تمدید شده کمیته اجرایی بین الملل کمونیستی مورد بحث قرار گرفت. در این جلسه رفیق کریبیچ (یک چکسلواک) به صورت اشاره دار کمیسیون عمل می نمود. رفقا شیلیاپنیکوف و کولونتای از اندیشه های گروه ۲۲ نفر دفاع کردند. رفیق رادک (Radek) از استنباط کمیته مرکزی آر.ک.پی دفاع نمود، و رفیق کلارا زتکین از طرف کمیسیون ملاحظه اختتامی را بیان داشت. پس از بحث تصویبنامه فوق الذکر کمیسیون به اتفاق آراء به تصویب رسید، ۴ نفر از رأی دهی امتناع نمودند (۲ رفیق سویسی و ۲ رفیق چکسلواک).

از آن جا که رفیق شیلیاپنیکوف (در ۵ مارس در جلسه فعالیت در سازمان مسکو) اظهار نظر نمود، که یک رشته از اتهامات ذکر شده در ۱۵ نکته بالا کاملاً نادرست تبیین شده بوده اند، و نه او و نه کولونتای چیزی به آن صورت در کمیسیون نگفته بوده اند، لذا اعلامیه موجود به رییس کمیسیون، رفیق کولاروف، منشی کمیسیون، رفیق کریبیچ، و همه اعضای حاضر در این کمیسیون با ترجمه آلمانی و فرانسوی ارائه داده می شود، با این تقاضا که آنان صحت [نکات] فوق الذکر را کتباً تأیید نمایند.

امضاء های اعضای حاضر در کمیسیون

رییس: کولاروف

منشی: کریبیچ

اعضاء کلارا زتکین، تراچینی^[۴۶]

روشننگری ها و پانوشت ها

¹ *Resolutions and Decisions of the CPSU*, vol.2(1917 – 1929), p.100, Toronto, 1974.

^۲ - عقب ماندگی روسیه تزاری از حیث اقتصاد سیاسی نسبت به سرمایه داری اروپای غربی پدید آورنده شرا-
بط ویژه ای برای تکامل اشکال سازمانی در جنبش کارگری روسیه بود. اتحادیه های صنفی در زمانی
دیر نقش سیاسی واقعی در جامعه ایفاء نمودند.

اتحادیه های صنفی در روسیه ابتداء در جریان جنبش شورایی در سال ۱۹۰۵ پدید آمدند. علت این
تکامل دیر را باید در ماهیت فئودالی - پادشاهی دولت روسیه و اشکال سرکوب و استثمار مسلط در آن
دولت جست.

شمار کارگران سازمان یافته صنفی طی سال ۱۹۰۵ ۲۵۰/۰۰۰ تن بود. (Isaac Deutscher: *Soviet Trade Unions*, p.13, London, 1950).

انقلاب فوریه ۱۹۱۷ یک تکامل سازمانی سریع، توأماً در جنبش صنفی به وجود آورد، چنان که
تعداد اعضای اتحادیه های صنفی طی نخستین ماه های سپسین انقلاب و سرنگونی قدرت تزاری به
نیم میلیون نفر افزایش یافت. (همان، ص ۱۳). نیز در همان ماه ها چندین اتحادیه صنفی در سر-
تاسر روسیه، عموماً، و در پتروگراد، خصوصاً، دایر گردیدند. (Uwe Brüggemann: *Die russischen Gewerkschaften in Revolution und Bürgerkrieg 1917 - 1919*), s.27, Frankfurt/M, 1972).

اتحادیه های صنفی تا ماه های اوت - سپتامبر ۱۹۱۷ تحت تسلط منشویک ها قرار داشتند، کما-
این که در سومین کنفرانس اتحادیه های صنفی سرتاسر روسیه بلشویک ها تنها از پشتیبانی ۳۶/۴٪
نمایندگان برخوردار بودند. (Oskar Anweiler: *The Soviets*, p.177, New York, 1974). اکثریت از منشویک ها
تشکیل یافته بود. (آنارشویست ها و سوسیالیست های انقلابی عموماً زلی جزئی در جنبش صنفی دارا
بودند.)

جنبش صنفی با مشکلات بسیاری مواجه گردید. در وهله نخست فعالیت آن در اثر ففدان تجارب
صنفی در میان کارگران بطیء بود، و این منتج به یک ساختار سازمانی بی نظم و نامعادل گردید.
بسیاری از اتحادیه ها عاری از نیروی ضربتی واقعی بودند، زیرا آن ها نه فقط مطابق صنف، بلکه هم-
چنین مطابق نوع اشتغال طبقه بندی گشته بودند. (Brüggemann, s.27.)
مسئله رابطه متقابل اتحادیه های صنفی و قدرت دولتی در سال های نخست موجودیت دولت شور-
وی خود را به صورت جدی برملاء ساخت، و در آغاز دهه ۲۰ زاینده اختلاف نظری در حزب بلشویک گرد-
ید.

^۳ اختلافات* پس از تصرف قدرت سیاسی از سوی بلشویک ها در ۱۹۱۷ منجر به یک بحران حزبی سه
ساله و تشکیل اپوزیسیون درون حزبی چپ در ۱۹۱۸ گردیده بود. سه علت بحران حزبی را یک شرکت
کننده ممتاز در اپوزیسیون چپ، همچنین در اپوزیسیون کارگری، آکساندرا میخائیلوفنا کولونتای
(Aleksandra Mikhajlovna Kollontaj) (۱۹۵۲-۱۸۷۲)، در نوشته ای از خود تحت عنوان *Rabotjaja Oppozitsija*
(اپوزیسیون کارگری) (۱۹۲۱)، حاوی باشمول ترین استدلال نظری نقطه نظرات اپوزیسیون، در این
ها تشخیص داده است:

۱) عمده، شرایط تاریخی دشواری که حزب ناچار از کار و عمل تحت آن ها بود.
۲) اصطکاک مقامات، که از چشم سطوح پایین تر پنهان و ناشی بود از ضرورت شوروی برای
تطبيق خود با سه گروه اجتماعی مختلف (کارگران، دهقانان و نمایندگان بورژوازی پیشین).
۳) نه تنها عدم بهبودی واقعی روابط اقتصادی و شرایط زندگی توده های انبوه کارگر، مولدین کار-
خانه ها، بلکه عملاً وخیم تر شدن شان طی سه سال انقلاب.

درخصوص اپوزیسیون درون حزبی چپ نیز که از آن نام بردیم، خاطرنشان سازیم که اختلاف آن با
بقیه حزب بر محور خصلت انقلاب روسیه دور می زد. از نظر اپوزیسیون تهیه و اجرای بلاتزلزل یک
سیاست کمونیستی پیش شرط حیاتی حفظ خصلت سوسیالیستی انقلاب بود. به جز این کار انقلاب ناگز-

یر خصلت بورژوا-دموکراتیک پیشین خود را با رنگ و آهنگ ملی گرایی می یافت، و اندیشه دیکتا-توری پرولتاریا نیز نمی توانست امکان تحقق داشته باشد.

* از آن جمله به علت "پیمان برست - لیتوفسک" (Brest - Litovsk) بین دول شوروی و آلمان. آپوزیسیون عقیده داشت صلح با امپریالیسم آلمان موجب تضعیف ارتباط پیشاهنگ انقلابی روسیه با جنبش انقلابی بین المللی، لازم سازنده اتحاد با افشار خُرده بورژوایی و سازمان دهی تولید اجتماعی در سمت سرمایه داری خواهد گردید. (Glasgow, *Academic Journal Critique*, 1918) "Theses of the Left Communists" (1977). آپوزیسیون پیمان مذکور را به معنای مرگ انقلاب جهانی و به همراه آن مرگ انقلاب روسیه تلقی می نمود، و بر این بود که الویت را می باید به انقلاب جهانی قائل گشت، نه به استحکام قدرت داخلی. قدرت شوروی در روسیه در صورت محرومیت از پشتیبانی انقلابات در کشورهای تکامل یافته اروپای غربی قادر به دوام نمی توانست باشد. در مقابل این نظریه صلح گریز آپوزیسیون نظریه صلح طلب بقیه حزب، در رأس شان ولادیمیر ایلیچ لنین (Vladimir Iliich Lenin) (۱۹۲۴ - ۱۸۷۰) مطرح گردید. اینان مسئله مهم رویاروی دولت شوروی از بدو تشکیلش را مسئله صلح تشخیص می داد- ند، و معتقد بودند رژیم شوروی جهت کسب پشتیبانی مردم ناگزیر از تمرکز افکارش بر مشکلات داخلی است، و البته بقایش درگرو کار همزمان در راه انقلاب در خارج قرار دارد. صلح به هر بهایی که تمام می شد، می توانست در خدمت این هر دو امر باشد.

منعقد گردیدن پیمان صلح با آلمان در مارس ۱۹۱۸ اختلاف آپوزیسیون با بقیه حزب را تا درجه-ای شدت بخشید، که اعضای آپوزیسیون به عنوان اعتراض پست های حزبی و دولتی شان را ترک کرد-ند. قضیه همچنین باعث تزلزل در موضع شوروی در کنفرانس برست - لیتوفسک شد، و در نتیجه آن جناح لنین در اقلیت افتاد. به نظر اما گلدمن (Emma Goldman) (۱۹۴۰ - ۱۸۶۹)، از شخصیت های برجسته تاریخ جنبش آنارشیزم، در شرح حالش آن گونه که من زیستم، *Living my Life*, New York, 1931, Dover, "پیمان برست - لیتوفسک" عامل تضعیف سخت روحیه انقلابی توده ها و اولین منبع تفرقه در نیروهای پرولتاریایی بود. آنارشیزم ها و جناح چپ سوسیال رولوسیونرها از آغاز بر ضد پیمان بوده، آن را گامی خطرناک و عهدشکنی بلشویک ها تلقی می نمودند.

^۴ - *Resolutions and Decisions of the CPSU, vol.2, 1917 - 1929, p.100.*

اقوال بعدین از قطعنامه نهمین کنگره حزب از صفحات ۱۰۵ - ۱۰۰ همان نقل شده است.

^۵ در استنباط لنینیستی ضمن تقبیح تعصبات صنفی، تأکید شده است، که کارگران باید ادراک انقلابی-شان را از بیرون اخذ کنند، یعنی از پیشاهنگ آموزش مارکسیستی دیده، که در حزب جمع می آید. طبقه کارگر به خودی خود قادر به تجاوز از حیطه منافع مبارزه اقتصادی نیست.

^۶ - شورای اتحادیه های صنفی سرتاسر روسیه به عنوان یک ارگان عالی صنفی کشوری در سومین کنفرانس اتحادیه های صنفی سرتاسر روسیه در ژوئن ۱۹۱۷ تأسیس گردید.

^۷ - کمیته های کارخانه به صورت کمیته های دائم عملیات در ۱۹۰۵ به وسیله کارگران در کارخانه ها تشکیل یافته بودند. طی انقلاب فوریه ۱۹۱۷ تعداد این کمیته ها در مناطق صنعتی در سرتاسر رو-سیه مداوماً افزایش یافت. کمبود سازمان های صنفی و وجود سنت جنبش شورایی ۱۹۰۵ علت آن بود که اقشار رادیکال کارگری همین کمیته های کارخانه را به صورت ارگان های طبیعی مبارزه ملاحظه می نمودند. اگر اکثریت در اتحادیه های صنفی مدت درازی در جناح راست نسبت به حزب بلشویک بود، در مقابل کمیته های کارخانه سریعاً شعایر انقلابی بلشویک ها را پذیرفتند، و در جناح چپ نسبت به بلشویک ها قرار گرفتند. مثلاً در بهار ۱۹۱۷ اکثریت در چند کنفرانس کمیته های کارخا-نه موافقت شان را با شعایر بلشویک ها در زمینه کنترل کار و قدرت شوروی اعلام داشتند. (M. Brinton:)

(*Die Bolschewiki und die Arbeiterkontrolle*, s.31 f, Hamburg, 1976)

این رادیکالیت بزرگ کمیته های کارخانه علت آن بود، که بلشویک ها تا درجه ای آن ها را به مثابه ارگان های انقلابی در نخستین مرحله انقلاب روسیه، یعنی تا انقلاب اکتبر به حساب آوردند. پس از قیام ژوئیه ۱۹۱۷ در کنگره ششم حزب بلشویک در ۲۶ ژوئیه (۳ اوت) درباره تغییر شعار و را-

هکار بحث شد. از این نقطه زمانی توأمأً لنین کمیته های کارخانه را به صورت ارگان های انقلابی به عوض شوراهای به حساب می آورد. (Anweiler, p.169 f.) ولیکن، بلشویک ها به دلیل راهکارانه از بیان روشن موضع شان در قبال رابطه بین کمیته های کارخانه و اتحادیه های صنفی امتناع ورزیدند، هم-چنین شعار کنترل کار را به گونه ای تهیه کردند که تعبیرش به چند صورت ممکن باشد. کمیته های کارخانه آن را به صورت علامت به کارگران برای در اختیار گرفتن تولید در کارخانه ها استنباط نمودند. نیز تمایلات در کمیته های کارخانه برای کسب زُل رهبری کننده در دگرگونی انقلابی و سازمان یابی آتی تولید پس از تصرف سوسیالیستی قدرت نمودار شدند. در تصویبنامه یک کنفرانس کمیته های کارخانه گفته شد: "کمیته های کارخانه کودکان انقلاب اند. آن ها نیروی تازه ای هستند، که باید بر روی شان حساب کرد. کمیته ها باید کانون خود را به وجود آورند، که مستقل از اتحادیه های صنفی باشد و مبارزه سیاسی و صنفی جنبش کارگری را رهبری نماید." (A.M.

Pankratova: *Fabrikräte in Russland*, s.227, Fischer Verlag, 1976)

در جنبش صنفی اعضای آن خود را در معرض تهدید کمیته های کارخانه به علت مطالبه پیوسته صریح تر آن ها در زمینه رهبری بلاشروط احساس نمودند، و این احساس بی جهت نیز نبود، زیرا بلافا-صله پس از صادر گشتن تصویبنامه کنترل کار در ۱۴ نوامبر ۱۹۱۷، اولین کنفرانس سرتاسر روسیه به کمیته های کارخانه اعلام داشت، که همکاری با اتحادیه های صنفی، تا جایی که به کنترل کار مر-بوط می گردید، "با چرخش محووث در حیات اقتصادی - سیاسی روسیه، مطلقاً منحل شده است." (Brüg-mann, s. 77) این نیز طبیعتاً نمی توانست مورد قبول اتحادیه های صنفی قرار گیرد.

همزمان حساب کردن راهکارانه بلشویک ها بر روی کمیته های کارخانه ابدأً به این معنا نبود، که آن ها موافق با محول گردیدن مسئولیت تولید اجتماعی به کمیته های کارخانه بوده باشند. کما این که بلشویک ها به دنبال تصرف قدرت سیاسی، علامت قبلی به کمیته های کارخانه را بدین گونه تغییر دادند که مستقیماً تصریح شد آن ها می باید از اتحادیه های صنفی اطاعت نمایند. بلشویک ها با رادیکالیزه شدن بخش انبوهی از کارگران، به اکثریت در اتحادیه های صنفی - با استثنائاتی جزئی، مثلاً در اتحادیه صنفی کارگران راه آهن - دست یافتند. در زمینه تحقق کنترل کار بلشویک ها می-توانستند از وفاداری اتحادیه های صنفی اطمینان داشته باشند، نه از وفاداری کمیته های کارخانه رادیکال.

بر این اساس اتحاد بین قدرت دولتی بلشویک ها و اتحادیه های صنفی جهت ناتوان ساختن کمیته های کارخانه و تبدیل شان به تحتانی ترین سلول ها در دستگاه اتحادیه صنفی پدید آمد. در اولین وهله جلوگیری از برگذاری کنگره سرتاسر روسیه، که کمیته های کارخانه امیدوار به صورت پذیرفتن آن در دسامبر ۱۹۱۷ به مقصود هماهنگ سازی و تحکیم در اختیار گرفتن سازمان دهی تولید بودند، به عمل آمد. ناتوان ساختن نهایی کمیته های کارخانه با امور فشار اقتصادی صورت گرفت، به این معنا که مقامات تحویل مواد خام یا وام دهی به کمیته های کارخانه را مشروط به این نمودند که آن ها خود را مطیع اتحادیه های صنفی سازند.

اما اتحاد قدرت دولتی و اتحادیه های صنفی فراتر از این رفت. یکی از مهم ترین عرصه های فعلا-لیت اتحادیه های صنفی در اولین سال های سپسین انقلاب اکتبر عبارت از شرکت در بنای سیستم اقتصادی - اداری دولتی بود. در آن دوره یک همکاری نزدیک بین شورای اتحادیه های صنفی سرتاسر روسیه و شورای عالی اقتصاد ملی (Vysshii Sovet Narodnogo Khozayaistva (vesenkha)) پدید آمد. ولیکن این اتحاد بر بستر تحولات روسیه و تغییر برخوردار حزب بلشویک به اتحادیه های صنفی صورت دیگری به خود گرفت.

^۸ - "نپ" را لنین به همراه گزارش مفصلی به دهمین کنگره حزب معرفی نمود. برای این موضوع رک:

V.I. Lenin, *Collected Works*, vol.32, 4.edi., pp.165 – 271, Moscow, Progress, 1977

^۹ - در قطعنامه یازدهمین کنگره حزب درباره "نقش و وظایف اتحادیه های صنفی" چند مورد ضد و نقیض در وظایف اتحادیه های صنفی تحت دیکتاتوری پرولتاریا ذکر گردید، از آن جمله: "از

- یک طرف شیوه عمل عمده آن‌ها اقناع و آموزش است. از طرف دیگر آن‌ها - به عنوان شرکت کنندگان در قدرت دولتی - نمی‌توانند هم‌چنین از سهم شدن در اعمال تدابیر جبری سرباز زنند. از یک سو وظیفه عمده آن‌ها حمایت از منافع توده‌های کارگر به مستقیم‌ترین و آنی‌ترین مفهوم کلمه است. از سوی دیگر آن‌ها - به عنوان شرکت کنندگان در قدرت دولتی و باتیان مجموعه اقتصاد - نمی‌توانند از اعمال فشار خودداری نمایند." (*Resolutions and ...*, p.156.)
- ^{۱۰} - این شورا در دسامبر ۱۹۱۷ به عنوان مبداء بنای یک سیستم ارگان‌های مدیریت اقتصاد برقرار گردیده بود. glavk (کمیته اصلی)، centr (کمیته مرکزی) و sovnarchoz (شورای اقتصاد اجتماعی در سطحی پایین‌تر از شورای عالی اقتصاد ملی) ارگان‌هایی از این سیستم مدیریت اقتصاد دولتی بودند.
- ^{۱۱} - آپوزیسیون کارگری، نقل از *Arbejdsbierne og den hvide fugl*, s.523, København, 1977
- ^{۱۲} - از این ۱/۰۰۰ نماینده ۳۰۰ نفر دارای حق رأی مشورتی بودند. از ۳۰۰ نماینده اعزامی به کرونشتات در حدود ۲۰۰ نماینده حق رأی تعیین‌کننده داشتند. (*Resolutions and ...*, p.115.)
- ^{۱۳} - دولت سعی داشت مسئله کمبود خواربار در جنگ داخلی را از جمله با موظف ساختن دهقانان به تحویل مازاد خواربارشان برای مصرف ارتش سرخ و جمعیت شهرها حل نماید.
- ^{۱۴} - Friedrich Engels(1820 - 95)
- ^{۱۵} - Aleksander Gavrilovitj Sjljapnikov(1885 - 1937)
- شیلیاپنیکوف برخلاف بسیاری دیگر از بلشویک‌های رهبری‌کننده دارای اصل کارگری بود. از ۱۹۰۱ عضو حزب بود. از ۱۹۰۸ در تبعید به سر می‌برد. تحت جنگ جهانی اول (۱۸-۱۹۱۴) از جمله به‌صورت رابط لنین با روسیه عمل می‌نمود. از آوریل ۱۹۱۷ ریاست اتحادیه صنفی فلزکاران را عهده‌دار گردید. با استقرار دولت شوروی به سمت کمیسر خلق برای کار منصوب شد. طی سال‌های ۲۲-۱۹۲۰ برجسته‌ترین رهبر آپوزیسیون کارگری بود. در ۱۹۳۳ از حزب اخراج گردید. در ۱۹۳۵ به زندان افکنده شد. احتمالاً در ۱۹۳۷ در زندان درگذشت.
- (*Parti, stat og fagforeninger*, s.297, København, Rhodos, 1976)
- ^{۱۶} - در پلنوم کمیته مرکزی حزب در نوامبر ۱۹۲۰ اولین طرح پلاتفرم تروتسکی برای کل جنبش صنفی با ۸ رأی مخالف در مقابل ۷ رأی موافق رد شد. یک تصویب‌نامه بدیل از ناحیه لنین، که برعکس رفرم "سکتران" را در نظر داشت، با ۱۰ رأی موافق در مقابل ۴ رأی مخالف به تصویب رسید. (Brinton, ss.110-11)
- ^{۱۷} - زمانی که "سکتران" دایر می‌گردید، میخائیل پاولوویچ تومسکی (Mikhail Pavlovitj Tomskij) (۱۹۳۶-۱۸۸۰)، رئیس اتحادیه صنفی، یگانه عضو کمیته مرکزی مخالف با آن بود. (R.V. Daniels: *The Cons-cience of the Revolution*, p.130, Harvard, 1960.)
- ^{۱۸} - Richard Lorenz: *Sozialgeschichte der Sowjetunion*, bd.1(1917 - 45), s.120, Frankfurt/M, 1976
- ^{۱۹} - L. Schapiro: *The Communist Party of the Soviet Union*, p.234, London, 1963
- ارقام از تحلیل طبقاتی رسمی شوروی است، که اصل طبقاتی اعضای حزب را اعلام داشته، نه اشتغال فعلی‌شان را.
- ^{۲۰} - *Parti, stat ...*, s.205.
- ^{۲۱} - همان، ص ۱۱۹.
- ^{۲۲} - از تصویب‌نامه "درباره نقش و وظایف اتحادیه‌های صنفی" (۱۶ / ۲ / ۱۹۲۱)، (*Resolutions and ...*, p. 128)
- ^{۲۳} - همان، ص ۱۱۶.
- ^{۲۴} - Brinton, s.119 / *Destatj sjezd RKP(b), mart 1921 goda. Stenografitjeskij ottjot*, pp. 826 - 27 Moscow, 1963.
- ^{۲۵} - همان، ص ۱۰۰.
- ^{۲۶} - *Arbeiterdemokratie oder Parteidiktatur*, bd.1, ss.180 - 81, F. Kool & E. Oberländer, Olten, 1967.
- ^{۲۷} - Daniels, p.127

^{۲۸}- کوتوزوف: " اتحادیه های صنفی را نیرومند کنید"، نطق در دهمین کنگره حزب، نقل از *Parti, stat ...*, s.300

^{۲۹}- نقل از *Arbejdsbierne og ...*, s.502

^{۳۰}- *Protokoll des III. Kngresses der Kommunistischen Internationale*, ss.776 – 81, Hamburg, 1921)

^{۳۱}- *Parti, stat ...*, s.222

^{۳۲}- همان، صص ۲۴ - ۲۲۳.

^{۳۳}- همان، صص ۲۶ - ۲۲۴.

^{۳۴}- مندرج در *V.I. Lenin, ...*, vol.32, 4.edi., pp.241 - 44

^{۳۵}- مندرج در همان، صص ۶۰ - ۲۴۵.

^{۳۶}- *Resolutions and ...*, p.116

^{۳۷}- *Protokoll des III. Kongresses...*, s.222

^{۳۸}- همان، ص ۷۶۶ اف.

^{۳۹}- این نوشته کولونتای به وسیله ک.آ.پی.دی در روزنامه شان، *Kommunistische Arbeiter Zeitung* (روزنا- مه کارگر کمونیست)، به چاپ رسید، و این امر اعتراض رسمی کولونتای به ک.آ.پی.دی را برانگیخت. وقتی که ک.آ.پی.دی بعد، در ۱۹۲۲ در برلین نوشته را به صورت مستقل تحت عنوان *Was bedeutet die Arbeiteropposition?* (آپوزیسیون کارگری به چه معنی است؟) به چاپ رسانید، آن شامل تفسیرات در مخالفت با کولونتای بود. هم چنین تشکیلات سندیکالیستی آمریکایی کارگران صنعتی دنیا (*Industrial Workers of the World(IWW)*) که به نسخه ای از نوشته کولونتای دست یافته بود، آن را با عنوان *The Workers Opposition in Russia* (آپوزیسیون کارگری در روسیه) در سال ۱۹۲۱ در شیکاگو چاپ و منتشر ساخت. در یازدهمین کنگره حزب (مارس - آوریل ۱۹۲۲) کولونتای از جمله به سبب قرار دادن نوشته اش در اختیار " ضدکمونیست ها "ی خارجی مورد حمله واقع شد. نوشته کولونتای بعدها به چند زبان اروپایی ترجمه و انتشار یافت، ولی هرگز در اتحاد شوروی دوباره منتشر نگردید، و آن تا اواخر دهه ۷۰ در شوروی غیرقابل حصول بود.

^{۴۰}- این آگاهی و چند آگاهی دیگر را بی. ریشنباخ (B. Reichenbach) در مصاحبه ای درباره اقامتش در مسکو در ۱۹۲۱ - که کپی آن تحت عنوان "Moscow 1921" در نشریه *Survej* (سوروی) در اکتبر ۱۹۶۴ به چاپ رسیده - به دست داده است.

^{۴۱}- تصویبنامه " درباره بعضی اعضای آپوزیسیون کارگری سابق"، 77- 174 pp. *Resolutions and...*

^{۴۲}- در کتاب *Rabotjaja Oppozitsija* (آپوزیسیون کارگری)، تألیف ام.اس. زورکی (M.S. Zorkij)، که به مقصود تحقیر جدلی و محکوم ساختن آپوزیسیون کارگری در سال ۱۹۲۶ در مسکو منتشر گردیده، تماماً مقالاتی از شیلیاپنیکوف: " مخالفت های ما " (*Pravda*) (پراودا)، ۱۸ / ۱ / ۱۹۲۴) و " درباره یک حمله تظاهرآمیز و خطر راست در حزب ما " (*Bolsjevik*) (بلشویک)، ش ۱۷، ۱۹۲۶) درج شده است. این مقاله اخیر پاسخ به مقاله ای از کمیته مرکزی در پراودا، مورخ ۱۰ / ۷ / ۱۹۲۶، تحت عنوان " خطر راست در حزب ما " است، که به نامه ای از مدودف در ۱۹۲۴ به شعبه حزب در باکی به سبب انحراف راست بو- دن آن حمله نموده بود. شیلیاپنیکوف با لحن شدید در مقاله اش متذکر گشته است، که مقاله کمیته مرکزی کذب محض و براساس بیانات تحریف شده است.

^{۴۳}- نقل از *Arbejdsbierne og ...*, ss.563 - 66، مطابق با

" *Zajavlenie dvadtsati dvuch* ", *Rabotjaja Oppozitsija*, edited by Zorkij, Moscow - Leningrad, 1926

^{۴۴}- در این جا منظور از جمله گروه های انشعابی از احزاب کمونیست (ک.آ.پی.دی در آلمان و گروه مشابه در هلند) و سعی شان برای تأسیس یک بین الملل جدید (چهارم) بوده است.

^{۴۵}- میاسینکوف، کارگری اهل پرم (Perm)، در فوریه ۱۹۲۲ پس از تبلیغ از جمله مطبوعات آزاد از حزب اخراج گردیده بود. لنین قبلاً توسط نامه ای به او مراجعه نموده بود.

^{۴۶}- نقل از *Arbejdsbierne og ...*, ss.567 - 77، مطابق با

دولت شوروی یک اهرم اقتصادی است،
زیرا آن یک دیکتاتوری پرولتاریا است.
(قطعه نامه)